

# ظهور بلايا و رزايا در ارض يا اوست گوينده پاينده

حضرت بهاء الله

اصلي فارسي



من آثار حضرت بهاء الله - لثالث الحکمة، المجلد 2، لوح رقم (144)،  
الصفحة 306 - 310

## ظهور بلايا و رزايا در ارض يا

اوست گوينده پاينده

چشم عدل گريان و انصاف نالان سبحان الله در ايران افتخار بظلم و ستم و بي رحمي و اخلاق درندگان صحاري و براري شده ذئاب جزائر جهل و ناداني اغنام الهی را دريدند خسارت عظيم را ربخ کبير دانسته اند امروز حنين اشيا در ارض يا مرتفع و فرياد و ناله يوسف های معانی از چاه ظالمان بلند زخمی عظيم بر صدر عدل وارد و ضربتی محکم بر هيكل انصاف نازل غزالهای محبت و صفا را صيادهای کين در کمين و اطفال مهاد را طاغیان بی شرم و حيا از پی مقام عدل و جنودش ظلم و عساکرش قائم رحم در ايران بمثابه عنقا با اسم و بی رسم و انصاف بمثابه کبريت احمر مذکور و غير مشهود در شب بيست و سوم رمضان غبار و دخانی عظيم از ضغيه و بغضای منکرين و معرضين بر خاست بشأنيکه تجليات انوار نير عدل را ستر نمود بل محو کرد دو مظلوم پيچاره و بی معين آقا علی و آقا علی اصغر عليهما بهاء الله و عنایته را در جامع شيخ حسن سبزواری بدون سبب و علت اخذ نمودند و با گاشته والا حاجی نایب با خفت تمام بحضور نواب والا بردند و انواع سياست را مجری داشتند و بعد بچس فرستادند و از قرار مذکور آنچه ممکن بود از زخارف اخذ کردند و مرخص نمودند و بعد دخان ديگر از مطالع بغي و فحشی مرتفع و آن اخذ نفوس مقدسه در کره آخری بوده هفت نفس را اخذ



ORIGINAL

نمودند از جمله جناب ملا علی سبزواری بوده و همچنین جناب ملا مهدی علیهما بهاء الله و عنایتہ نواب والا بیکی گفته تبری کن تا خلاص شوی آن منقطع حقیقی فرمود: چهل سالست که من منتظر این یوم بوده‌ام و الحمد لله امروز فائز شده‌ام و نفس آخری در هنگام مرور در اسواق با میر غضبها و فراشها و رجاله عباد فرموده: یا قوم سید الشهداء فرمود هل من ناصر ینصرنی و من عرض میکنم هل من ناظر ینظرنی باری نار بغضا بشأنی مشتعل که قلم از ذکرش عاجز این دو نفس مبارکه و نفوس آخری باستقامت تمام جان را فدا نمودند خونهای این نفوس سبب شد که حال اهل ایران بعضی اذکار را میشنوند و ساکنند بلکه میپذیرند اهل ایران با نفسی از نفوس خارجه مثنی نمینمودند چه که نعوذ بالله کل را نجس میدانستند ابدًا تکلم را جائز نمیشمردند حال از عنایت این ظهور اعظم ابواب معارف باز شده آن توحشهای زائد از اعتدال و اعراض و اعتراضها از میان بر خاست و کل را بحضور و لقا بشارت فرمود و فائز نمود دماء عشاق در آفاق معجزه‌ها نمود و اسباب بعد را بسیاط بیان دفع کرد و قرب را بر مقامش مقرر و مأوی معین فرمود حال اکثری با جمیع احزاب عالم معاشر و محبّ فی الحقیقه محبّتی نسبت بکل ظاهر شده که ظهورش نزد عباد از محالات شمرده میشد تبارک الکریم ذو الفضل العظیم حال کل بصر شده‌اند تا ببینند و سمع شده‌اند تا بشنوند انکار را جنود اقرار از میان برداشت در نفوذ قلم اعلی و اقتدار کلمه علیا تفکر نمائید چگونه تقلیب فرمود و نزدیک نمود باری نفوس مذکوره را ببدترین عذابهای عالم شهید نمودند یکی را طناب انداختند و کشیدند تا آخر بلد و باقی را از عقب او میزدند و میبردند و بعضی را با سنگ و بعضی را با چوب و بعضی را با زنجیر و بعضی را با سلاح آن هیاکل مقدّسه را قطعه قطعه نمودند و بعد آتش زدند و استخوانها را در گودالها ریختند از قرار مذکور هزار نفس رو بصحرا گذارده‌اند معلوم نیست بکجا رفته‌اند و چه شده‌اند و احدی در آن ایام از عیال و اطفال آّمظلوما سؤالی نمود و از بیم و خوف نزدیک نرفت آّمظلوما بی قوت ماندند و از قرار مذکور بعضی از ملت حضرت روح آیدهم الله در سرّ سر من غیر اطلاع احدی دستگیری نمودند و قوت یومیّه را ارسال داشته‌اند یا حبیب روحانی امروز ناله سنگریزها از صحراها مرتفع و حنین اشجار بلند و شب آن یوم بامر حکومت ناس عید گرفتند جشن بزرگی بر پا گویا اقلیمی را فتح نمودند سبحان الله ظلم و یشعوری بمقامی رسید که اهل آسمانها و زمینها کل را متحیر نمود سوف یرون جزاء اعمالهم چه که بعد هر ظلمی نور عدل مشرق و بعد هر اعتسافی تجلّی نیر انصاف باهر در جمیع احوال نسئل الله تبارک و تعالی ان یوید عباده علی الاقبال و علی التدارک علی ما فات عنهم فی اللیالی و الایام انه هو العزیز العلام .